دریچه

شکنجه در جهان عرب

■ شکنجه پدیده‌ای زشت و وحشیانه است که به قرون گذشته تعلق دارد حتی اگر در عصر ما نیز استمرار داشته باشد. پدیده‌ای که تقریبا هنوز هم در کشورهای جهان سوم ازجمله کشورهای عربی مرسوم و رایج است. آن هم بدون اینکه مورد بازخواست و اطلاع‌رسانی قرار گیرد و درحالی که ازنظر اخلاقی، دینی و انسانی محکوم است برای مرتکبین‌اش مجازاتی در نظر گرفته نمی‌شود.

البته گرچه این پدیده بیشتر در این کشورها رایج است اما کشورهای غربی نیز از آن مبرا نیستند. چه در دوران استعمار یا درطول جنگ‌های خارجی و اشغال سایر کشورها که گاه عقوبت‌های دسته‌جمعی و تحریم‌های بین‌المللی برکل یک ملت را تحمیل می‌کردند. به‌خصوص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر زندان‌های آمریکا و اروپا شاهد همین گونه شکنجه‌ها و تضییع حقوق شهروندان به بهانه مبارزه با تروریسم بود. دراین برهه قوانینی به تصویب رسید و فرامینی صادر شد که با میثاق‌های بین‌المللی و معاهدات مربوط به حقوق‌بشر چه در داخل این کشورها و چه درخارج از آنها در تناقض بود. دراین‌باره سازمان‌های بین‌المللی ازجمله عفو بین‌الملل و سازمان دیدبان حقوق‌بشر و سازمان عربی حقوق‌بشر گزارش‌هایی را منتشر کرده‌اند که می‌توان به آنها مراجعه کرد. حوادثی که در زندان‌های «گوانتانامو» و «ابوغریب» یا زندان‌های مخفی صورت گرفت از این جمله است.

فرهنگ توجیه شکنجه از سوی حاکمان عرب امری عادی است و حتی گاه ابعاد اجتماعی نیز به خود می‌گیرد. از نظر تاریخی باید گفت در آتن قدیم به شکنجه به عنوان یک سیستم موجه برای تحقیق درباره بردگان و بیگانگان استفاده می‌شد. شاید این شگفت‌آور باشد که بدانیم فیلسوف معروفی مانند ارسطو شکنجه را یکی از ابزارهای پنج‌گانه برای کسب ادله حقیقت ذکر می‌کرد و آن را درکنار ابزارهای دیگری مانند قانون، عرف، شهود و سوگند قرار می‌داد. کمااینکه در بین رومی‌ها نیز شکنجه به عنوان روشی برای «کشف حقیقت با استفاده از رنج جسمانی و تولید درد» توصیف می‌شد.

درتاریخ کشورهای عربی استعمال شکنجه سابقه‌ای طولانی دارد و تمدن‌های قدیم به این امر گواهی می‌دهند. برای مثال سومری‌ها، اکدی‌ها، بابلی‌ها و فراعنه یا چینی‌ها و هندی‌ها انواع و اقسام روش‌ها برای اعمال شکنجه داشتند و کاربرد آن را توجیه می‌کردند. کمااینکه در تاریخ کشورهای عربی به‌ویژه در دوران بعد از خلفای راشدین انواع و اقسام شکنجه مرسوم بود. مساله‌ای که هادی العلوی در کتاب مبسوط خود تحت عنوان «تاریخ شکنجه در اسلام» به آن پرداخته است. عبود الشالجی که یک حقوقدان است تاکنون هفت جلد کتاب درباره تاریخ شکنجه نوشته و با عنوان «فرهنگ شکنجه» به چاپ رسیده است.

شاید انقلاب کبیر فرانسه به‌رغم همه قتل و خونریزی‌هایی که به همراه داشت یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخی باشد که در لابه‌لای آن مبارزه با شکنجه نیز برجسته شد. پس از این انقلاب بود که میثاق‌های مربوط به حقوق‌بشر و حق شهروندی تدوین شد. میثاق‌ها و منشورهایی که مبتنی برآثار متفکران آن عصر ازجمله ژان ژاک روسو درکتاب «قراردادهای اجتماعی» و مونتسکیو در کتاب «روح القوانین» و ولتر در رساله معروفش درباره بخشش بود. درهمین رابطه می‌توان به میثاق‌های بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق‌بشر و میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و شهروندی و اعلامیه مبارزه با شکنجه (سال ۱۹۷۵) و اعلامیه مربوط به نحوه رفتار با کارکنان (۱۹۷۹) و اصول حرفه‌ای پزشکی (۱۹۸۲) و پیش از آن روش‌های نمونه برای برخورد با زندانیان (۱۹۵۵) و معاهده بین‌المللی مبارزه با شکنجه (۱۹۸۴) و پروتکل الحاقی آن (۲۰۰۲) و نظام اساسی دادگاه جنایت‌های بین‌المللی (۱۹۹۸) که درسال ۲۰۰۲ به اجرا درآمد و نیز سایر قوانین بین‌المللی که شکنجه را نوعی «جنایت جنگی» می‌داند یا قوانین بین‌المللی دیگری که شکنجه را «جنایت علیه بشریت» به حساب می‌آورد، اشاره کرد که همه آنها در ممنوعیت شکنجه و پرهیز از انواع شیوه‌های وحشیانه و غیرانسانی تدوین شده‌اند. با وقوع انقلاب‌های عربی توجه به مساله شکنجه در بین کشورهای عربی بیشتر شد. در سال ۲۰۱۱ وزارت خارجه آلمان کنفرانسی درباره شکنجه در جهان عرب و حاکمیت قانون ترتیب داد. کنفرانس مشابهی نیز در ابتدای دهه ۹۰ در لندن برگزار شد که سازمان عربی حقوق‌بشر آن را ترتیب داد و درآن پنج نفر از قربانیان شکنجه از فلسطین، لیبی، عراق، بحرین و سودان به شرح شکنجه‌های وحشیانه‌ای پرداختند که درباره آنها اعمال شده بود. در کنفرانس اخیر تونس، نیز قربانیان به شرح شکنجه‌های خود پرداختند. شرح این شکنجه‌ها خود شجاعت خاصی می‌خواهد و قربانیان در همه‌جا حاضر به بیان دردها و رنج‌های خود نیستند. کیفیت برخورد با شکنجه‌گران نیز مساله مهم دیگری است که نباید آن را ساده گرفت. زیرا درعین حال که نباید گذاشت آنها از مجازات فرار کنند در عین حال باید توجه داشت که عدالت اجتماعی درباره آنها رعایت شود. در اینجاست که باید مرز عدالت را از انتقامجویی جدا کرد و در همه حال باید هدف تنها کشف حقیقت و پاسخگویی و جبران خسارت‌ها و پرداخت غرامت به قربانیان و اصلاح سیستم‌های قانونی و قضایی باشد نه انتقام‌کشی و فریبکاری. مساله مهم دیگری که باید در پایان به آن اشاره کرد ضرورت یک همکاری مشترک برای مبارزه با شکنجه و تاسیس یک «صندوق حمایت از شکنجه‌شدگان» و بازپروری و تامین شرایط زندگی برای آنهاست همچنین تاسیس یک «دادگاه عربی برای حقوق‌بشر» به‌خصوص با این رویکرد که میثاق عربی حقوق‌بشر را مرجع قانونی و حقوقی خود قرار دهد. در کنار اینها باید سطح آگاهی حقوقی و قانونی و تربیتی جامعه را درباره خطرات شکنجه و آسیب‌های آن بالا برد. به هر حال چنان‌که هنری میلر می‌گوید: شکنجه یک انسان به دست انسانی دیگر شری است غیرقابل توصیف!

منبع: الخلیج

«ما» کردها جدایی‌طلب نیستیم

ادامه از صفحه ۶

من یک سوال دارم. چرا تشکیل دولت عراق پس از انتخابات عقب افتاد؟ مسلما دلیلش وجود اختلاف بود. تشکیل دولت هم به کمک «توافق اربیل» صورت گرفت. توافقنامه اربیل ۱۹ بند داشت که سه تشکل اصلی عراق روی آن توافق کردند. ائتلاف العراقیه، ائتلاف دولت قانون و کردستان و بقیه هم حضور داشتند. هنوز هم روی مفاد آن توافق بحث می‌شود و این به معنای وجود اختلاف شخصی نیست. اختلاف روی پایبند نبودن مالکی بر توافقات قبلی است.

یعنی در توافقات قبلی، نوری المالکی حق امضای قراردادهای نفتی را به کردستان داد؟

بله، حق داد که طبق ماده ۱۴۰ اختلافات حل شود. دوم قول داد قانون نفت کردستان در پارلمان تصویب شود. این قانون اجازه می‌دهد که حکومت اقلیم کردستان قراردادهای نفتی ببندد. درکل توافق کردیم که درآمد نفتی درآمد ملی است و متعلق به کل عراق. یعنی پول نفت در اختیار دولت مرکزی قرار می‌گیرد و از آن مسیر در کل عراق پخش می‌شود. اما دولت عراق خلف وعده کرد و حقوق شرکت‌هایی را که در کردستان نفت استخراج می‌کنند، پرداخت نکرد. پس باید یک نفر بیاید و این مسایل مطرح کند.

یعنی فکر می‌کنید راهش این بود که اقلیم کردستان بدون اطلاع دولت مرکزی مثلا با «اگزون موبیل» قرارداد ببندد؟

بدون اطلاع نیست. دولت عراق می‌گوید شما کلا نباید کاری انجام بدهید تا زمانی که ما بگوییم. ما می‌گوییم کشور و مردم نیاز به عمران و آبادانی دارند و اینها نیاز به درآمد دارد. من برای شما مثالی می‌زنم. در زمان سقوط صدام حسین اقلیم کردستان تنها ۲۰۰ مگاوات برق داشت، چرا در حال حاضر خود اقلیم کردستان ۲۲ ساعت برق منطقه را تامین می‌کند؟ ۲۰۰ مگاوات برق در مدت ۱۰سال تبدیل به دوهزار و ۵۰۰ مگاوات شده است. دولت عراق نزدیک چهارهزار مگاوات برق داشت و هیچ برقی به کردستان نمی‌داد. حالا ما خودمان برق تولید و حتی تلاش می‌کنیم در شش ماه آینده به استان‌های اطراف اقلیم کردستان برق صادر کنیم. چرا عراق نتوانسته این پیشرفت را داشته باشد؟ پول و بودجه نداشت؟ خیر. برنامه نداشت. این کاری که ما انجام می‌دهیم آبادانی است که اگر شما دیده باشید با آبادانی نجف، کربلا و بغداد خیلی تفاوت دارد. این آبادی با درآمد و هزینه ایجاد شده است. منبع درآمد ما هم از نفت است.

یعنی شما می‌گویید این اختلاف و مشکل شخصی را آقای مالکی ایجاد کرد؟

به نظرم سیاست آقای مالکی باعث این مساله شد.

به همین دلیل بود که آقای بارزانی دنبال استیضاح ایشان بودند؟

آقای بارزانی گفت من اعتقاد ندارم مالکی بتواند پایبند توافقات باشد و اگر نباشد باید کس دیگری جای او بیاید. آقای مالکی برای به قدرت رسیدن یک‌سری وعده‌ها به اقلیم کردستان دادند. «فهرست دولت قانون» نیز به «فهرست کردستان» یک‌سری وعده داد. اما هیچ کدام کامل اجرا نشدند.

تخمین می‌زنند خود کرکوک حدود ۱۰میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد. آیا فکر نمی‌کنید این مقدار باعث شود که هر دولتی سرکار بیاید، بخواهد این درآمد هنگفت تحت اختیار خودش باشد؟

چه دولتی؟ دولت عراق؟

هر دولتی...!

من می‌گویم این تعصب است که اجازه نمی‌دهد دولت غیرعرب عرض‌اندام کند.

بازگشت کردها و ترکمن‌ها به کرکوک تا کجا انجام شده است؟

کردها خودشان بازگشتند. عرب‌ها هم که آنجا مانده‌اند حتی به آنها برای بازگشت به مناطق اصلی خودشان پول پرداخت شده اما برای بازگشت تشویق‌شان نمی‌کنند.

دولت اقلیم در این زمینه چه کارهایی انجام داده است؟

ما تنها می‌توانیم اصرار کنیم که باید ماده ۱۴۰ اجرا شود.

فقط همین؟ اقدام عملی انجام نمی‌دهد؟

اقدام عملی یعنی بجنگیم! اما نمی‌توانیم!

اقدام عملی یعنی فقط جنگ؟

بله، یا باید بجنگیم یا همین شرایط موجود را قبول کنیم.

شما عراقی هستید یا کرد؟

اول کرد بعد عراقی. اما به این معنا نیست که بخواهیم کرکوک از عراق جدا شود. عراق یک محدوده جغرافیایی دارد، اسناد تاریخی هم دارد. به عنوان مثال ببینید کدام شهرها در ولایت موصل بودند. ببینید تاریخ درباره کردستان چه می‌گوید. آنچه در تاریخ خواندیم این بوده که کردستان بین عثمانی و عباسی قرار گرفته بود. آخرین جنگ صفوی و عثمانی باعث شد که کردستان تقسیم شد و یک بخش آن به صفویان رسید و یک قسمتش به عثمانی. آنجا هم با کردها بدقولی کردند. آن زمان عراقی وجود نداشت که بخواهد ادعایی درباره مناطق ما داشته باشد.

اما حالا خط‌های روی نقشه معیار هستند. پس شما اعتقاد دارید قراردادهایی که دولت اقلیم با شرکت‌های خارجی برای استخراج نفت می‌بندد غیرقانونی نیست؟

به نظرم در کل غیرقانونی نیست. اما آنها هم نمی‌خواهند قانون مورد نظر ما تصویب شود تا بتوانند بگویند این کار غیرقانونی است.

دلیل‌شان چیست؟

یکی تعصب قومی و دیگر اینکه مایل نیستند کردها دارای قدرت اقتصادی باشند. اما امروز اقلیم کردستان خیلی بیشتر از کرکوک نفت دارد. حتی به نظر من کردها نباید قبل از تصویب قانون نفت به دنبال اکتشاف نفت می‌رفتند. در زمان صدام هم اکتشافاتی در کردستان صورت نگرفت. وقتی که متوجه شدند در کرکوک نفت زیادی وجود دارد سنگ‌اندازی‌ها شروع شد و قانون را تصویب نکردند. فقط بحث کرکوک نیست، آنها روی نفت تمام کردستان مشکل دارند.

پس چاره چیست؟

راهکار فقط تعقل است. یعنی باید با هوش برخورد کرد.

بحث دیگری هم وجود دارد به هرحال این فشارها از دو طرف ادامه یافت و دولت عراق اعلام کرد که مابه‌تفاوت درآمد نفت را از بودجه کردستان کم می‌کند. پس از آن آقای بارزانی موضع‌گیری تندی کرد و نامه‌ای خطاب به مردم نوشت و تاکید کرد که این به مثابه اعلان جنگ است. شما هم چنین دیدگاهی دارید؟

به نظر من مجموعا تلاش بر این است که جنگی اتفاق نیفتد. ولی این بسته به رفتار عراق است که نخواهد وارد جنگ شود. آخرین گام مثبتی که ما برداشتیم (تا نگویند اختلاف فقط بین بارزانی و مالکی است) این بود که هیات مذاکره با دولت را تشکیل دادیم.

بحث مناقشه‌برانگیز دیگر این روزها، حضور احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه در کرکوک بود. به نظر شما دلیل واکنش تند دولت عراق به این سفر چیست؟

چرا وقتی کسی به غیر داوود اوغلو به اقلیم کردستان سفر می‌کند اعتراض نمی‌کنند؟ مگر فقط داوود اوغلو به کردستان رفته؟ مگر وزرای فرانسه، هلند و آمریکا به کردستان نرفته‌اند؟ مگر «جو بایدن» معاون باراک اوباما به کردستان سفر نکرده است؟

بدون هماهنگی با دولت مرکزی؟

مساله اصلا هماهنگی با دولت مرکزی نیست. بار اول هم نبود که داوود اوغلو به کردستان سفر می‌کرد. دفعات قبل چرا مشکلی پیش نیامد. به نظرم می‌خواهند فضاسازی تبلیغی کنند. یکی از اختلافاتی که ما داریم این است که هنوز قانونی برای رابطه کردستان با دولت مرکزی و رابطه کردستان با خارج از کشور تصویب نشده است. چرا نمی‌آیند این قانون را تدوین کنند؟ مگر در قانون اساسی عراق تعیین شده که ما به لحاظ مالی، دفاعی و سیاست خارجی تابع دولت مرکزی هستیم اما سازوکاری برای آن تعریف نشده است.

جدیدا گفته شده که اقلیم کردستان خرید پنهانی اسلحه دارد.

کلا مساله خرید اسلحه دروغ است.

اسلحه منطقه کردستان از کجا تامین می‌شود؟

این اسلحه‌ها از قبل در منطقه بوده و اسلحه سبک است. چه کسی جزو اولین مجموعه‌هایی بود که ارتش عراق پس از صدام را تشکیل داد؟ همین نیروهای پیشمرگ بودند. یک سری با دولت مرکزی توافق شده که ما می‌توانیم اسلحه وارد کنیم. یک‌سری دیگر هم توافق شده که عراق به ما بودجه بدهد.

آقای طالبانی در ماه‌های اخیر به‌خصوص در مساله استیضاح آقای مالکی سعی کردند میانجی‌گری کنند تا جایی که استیضاح منتفی شد. چرا ایشان موضع میانجی‌گرانه گرفتند؟

آقای طالبانی به عنوان رییس جمهوری عراق که پایبند قانون اساسی است قسم خورده که تلاشش برای حفظ وحدت عراق و مردم عراق باشد. به همین دلیل نمی‌تواند جانبدارانه عمل کند. او باید دنبال رفع مشکلات عراق باشد. آقای طالبانی تا احساس کرد این مشکلات وجود دارد پیشنهاد یک کنگره ملی برای رفع مشکلات را دادند. اما بعضی از لیست‌ها مثل العراقیه گفتند کردها کاری بکنند که مالکی برکنار شود. از روز اول این احساس وجود داشت که لیست «العراقیه» زیاد هم‌پیمان کردها نیستند چون در بعضی از آنها تعصب قومی وجود دارد. بعضی اوقات می‌گویم شاید تفکر بعثی در برخی از آنها باقی مانده است. امروز می‌بینیم بسیاری از آنها جدا شدند. خود صالح مطلق که در جلسات اربیل شرکت می‌کرد امروز می‌گوید من با مالکی مشکل ندارم. می‌خواستند از وضعیت کنونی سوءاستفاده کنند به‌خصوص از نفوذ کردها، بنابراین آقای بارزانی دستور داد که بیایید در پارلمان کردستان هیاتی تصویب شود تا با دولت مرکزی مذاکره کند. آقای طالبانی هم در این شرایط به عنوان یک عراقی و نه به عنوان یک کرد نقش دارد.

اختلافاتی هم بین جلال طالبانی و نوری المالکی بر سر موضوع معاون آقای طالبانی، طارق الهاشمی وجود داشت.

اختلاف‌نظرها نه فقط بین بارزانی و مالکی که بین کرد و مالکی، بین شیعیان و مالکی، بین العراقیه و مالکی هم وجود دارد. مشکلات عراق واقعا ریشه‌دار است. مشکل در تفکر سیاسیون عراقی است که زیاد به فکر کشور نیستند و به فکر گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی خودشان هستند.

شما فکر می‌کنید کردها در این زمینه درست عمل کردند؟

من عملکرد کردها را درمجموع، مثبت ارزیابی می‌کنم. خودشان موضوع را درک کردند. ما کردها پیش از این خودمان هم اختلافاتی داشتیم بعد که احساس کردیم این جنگ و «برادرکشی» بیهوده است فکر کردیم که چرا ادامه‌اش بدهیم؟ هرکسی از یک سری از مطالبات تشکیلاتی‌اش گذشت و حالا داریم برای اهداف جمعی در آینده تلاش می‌کنیم.

مثلا فرار آقای هاشمی به کردستان و حمایت همه‌جانبه آقای بارزانی از ایشان را هم مثبت ارزیابی می‌کنید؟

مساله حمایت از طارق هاشمی نبود. متاسفانه قضیه را سیاسی کردند. اتهاماتی به آقای هاشمی وارد کردند، دو روز بعد او از فرودگاه بغداد پرواز کرد و به کردستان آمد. چرا اجازه دادند که هواپیمای او از بغداد بلند شود بیاید کردستان؟ او به عنوان معاون ریاست‌جمهوری به کردستان سفر کرد. که اتهاماتی هم دارد. وقتی که آمده، نمی‌شود آقای بارزانی از او استقبال نکند چون هیچ دستور و مصوبه‌ای صادر نشده بود که بگوید او معاون نیست

می‌گفتند فرار کرده.

وقتی که آمد اقلیم کردستان سریع موضوع را سیاسی کردند خب ما هم سیاسی برخورد می‌کنیم. همان‌جا ماند بعدا دیدیم موضوع پیچیده‌تر می‌شود اجازه دادیم به ترکیه برود. آیا عراق با ترکیه برخورد کرد؟ بعد به قطر و عربستان سعودی رفت. برخورد عراق با آنها چه بود؟ چرا همین برخوردی که با اقلیم کردستان می‌کردند را با آنها نکردند؟ چند بار سفیر ترکیه در بغداد را احضار کردند؟ به نظرم بازی سیاسی است. درست است من نمی‌توانم نه طارق الهاشمی را محکوم کنم و نه بی‌گناهی‌اش را ثابت کنم اما قضیه را سیاسی کردند. قضیه می‌توانست به صورت قضایی حل شود. حتی پیشنهاد آقای طالبانی این بود که سیاسی کاری نکنیم و قضیه را به دادگاه واگذار کنیم تا دادگاه بیطرف خودش حکم صادر کند. چرا باید سیاسیون اعلام کنند که او مجرم است؟

اتهامات ایشان بسیار گسترده است و عملا او به اقدام علیه شیعیان متهم شده است...

اختلاف‌نظرها نه فقط بین بارزانی و مالکی که بین کرد و مالکی، بین شیعیان و مالکی، بین العراقیه و مالکی هم وجود دارد. مشکلات عراق واقعا ریشه‌دار است. مشکل در تفکر سیاسیون عراقی است که زیاد به فکر کشور نیستند فکر گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی خودشان هستند

من یک سوال دارم. مالکی همان موقع گفت که از دوسال قبل می‌دانسته که هاشمی دارد این اعمال را انجام می‌دهد. چرا جلویش را نگرفت؟ یعنی اجازه داد تا بازی به این نقطه برسد و بعد او را متهم کند؟ این سیاست نادرست است. وقتی من بدانم همکارم در دفترم کار نادرست انجام می‌دهد باید به او تذکر بدهم. مالکی لااقل می‌توانست موضوع را با ریاست‌جمهوری مطرح کند.

حضور افرادی مانند مقتدی صدر در کنار کردها، برای استیضاح مالکی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همه آنها امروز دوباره دارند با مالکی کنار می‌آیند. اختلافاتی که دارند نه برای حل مشکلات مردم بلکه به خاطر این است که کدام‌شان وزیر دفاع یا کشور بشود. به نظرم اگر این تفکر نبود مشکلات زودتر حل می‌شد. تلاش ما این است که پس از این همه مبارزه باز هم عراق در دام دیکتاتوری نیفتد. ما سال‌ها برای این مساله مبارزه کردیم، البته تنها!

به هرحال دو کشور قدرتمند ایران و ترکیه در همسایگی اقلیم کردستان هستند. اقلیم کردستان همیشه به حمایت از «پ.ک.ک» و شاخه‌هایش در ایران و سوریه متهم شده است. آیا اصلا چنین حمایتی وجود دارد؟

این اتهامات همیشه در شرایطی خاص مطرح می‌شود. و الا مساله حضور «پ.ک.ک» برای امروز نیست. در زمان صدام هم در همه‌جا حضور داشت. اگر مشکلات کردهای ترکیه حل نشود ادامه خواهد داشت. ما نمی‌توانیم به خاطر ترکیه با پ.ک.ک بجنگیم. فقط اجازه نمی‌دهیم باعث ناامنی در مرزها شوند

می‌گویند پایگاه آنها در شمال کردستان است؟

درست است. شمال کردستان مرز مشترک کشورهاست. ما که این مرزها را ترسیم نکرده‌ایم. آنها از قبل آنجا بوده‌اند. من یک سوال دارم. با این قدرت نظامی ترکیه که تاکنون ۲۴ بار حمله نظامی به «پ.ک.ک» داشته، آیا نتیجه‌ای گرفته است؟ ۲۴ بار دیگر هم حمله کند تا به دنبال حل واقعی موضوع نباشد مشکل پابرجا خواهد بود.

پس شما می‌گویید دولت اقلیم از «پ.ک.ک» حمایت نمی‌کند اما دلیلی ندارد که به‌خاطر ترکیه با آنها بجنگد.

وظیفه اقلیم کردستان این است که اجازه ندهند هیچ‌کس در مرزها ناامنی ایجاد کند.

درمورد «پژاک» چه؟ «پژاک» را گروهی تروریستی می‌دانید؟

ما مشکلات «پژاک» را قبلا حل کردیم. از روزی که ما دخالت کردیم با همکاری ایران و خود «پژاک» دیگر تا امروز حرکتی آن‌چنانی به وجود نیامده و در واقع شاهد برقراری امنیت هستیم

بحث دیگری که این روزها خبرساز شد گسیل ارتش عراق به مرزهای سوریه بود و اینکه پیشمرگ‌ها از پیشروی آنها جلوگیری کردند.

این مساله هم یکی از مسایلی است که دولت به توافقات بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی پایبند نبود. ما در کل در عراق توافق کردیم که پیشمرگ‌ها جزو نیروهای حمایت دفاع مرزی باشند. وقتی که دفاع مرزی هست، چرا قبل از اقدام با کردها هماهنگ نمی‌کنند و اگر نیرو کم بود، وارد عمل شوند؟

اصلا خطری مرز عراق و سوریه را تهدید می‌کرد؟

نه، به خاطر این بود که مرز تحت کنترل باشد. چون وضعیت سوریه و گروه‌های مسلح در کنار مرزهای عراق مشخص نیست. دوم اینکه این منطقه مورد اختلاف است. فعلا ما آنجا حضور داریم.

آیا فکر نمی‌کنید اینکه شهرهای اصلی کردنشین سوریه مثل «قامشلی» در دست کردهاست در واقع این خطر را ایجاد می‌کند که کردها قدرتمندتر شوند؟

ببینید تا به حال هیچ گروهی از هیچ قسمت کردستان رسما اعلام نکرده که می‌خواهم «کردستان بزرگ» و «دولت کردی» را تشکیل بدهم. چند روز پیش هم در یک مصاحبه به خبرگزاری «فارس» گفتم که کردها دنبال جدایی‌طلبی نیستند. «کرد» به دنبال این است که قانون اساسی هر کشور حقوقش را حفظ کند. وقتی حقوقش را حفظ کند نمی‌خواهد منطقه‌اش را دست کسانی بدهد که نمی‌داند چه موضعی درباره کردها و مناطق کردنشین دارند. وضعیت سوریه به گونه‌ای خاص است. جایگزین حکومت فعلی سوریه کیست؟ اخوان‌المسلمین؟ سلفی‌ها؟ القاعده؟ ارتش آزاد؟ چند روز قبل یکی از آنها گفت که حقوق کردها را قبول ندارند. کردهای سوریه می‌گویند تا وقتی قدرت مشخصی در سوریه نباشد نمی‌گذاریم که گروه‌های مسلح بیایند منطقه را به خاطر منافع‌شان خراب کنند. خودمان منطقه خودمان را حفظ می‌کنیم. اگر تغییری به وجود آمد هم باید وضعیت کردها را مشخص کنند. در حال حاضر خیلی از کردها مانند کردهای سوریه هنوز تابعیت ندارند.

برنامه‌تان در مورد سوریه چیست؟

ما برای آینده منتظر نظر مردم سوریه هستیم.

و آینده عراق به کجا می‌رود؟

ما اصلا فکر نمی‌کردیم که صدام حسین روزی از بین برود و یک کرد رییس‌جمهوری عراق شود. این خواست خدا و اتفاقاتی است که می‌افتد. شخصا مثل یک کرد، این فکر و تمنا از ذهنم بیرون نرفته است. من کُردم. واقعیت امروز را می‌پذیرم که باید در چارچوب دولت مرکزی عراق باشم و البته آنها هم پایبند توافقات باشند ما پذیرفتیم. نیمی از مشکل حل شده؛ نیم بعدی را باید آنها بپذیرند!

روزنه

کره‌شمالی از نو

مژگان دانیالی

■ با گذشتن بیشتر از یک سال از شروع ساخت‌وساز در کره‌شمالی، جاده‌ای در منطقه اقتصادی خاصی در شهر «راسن» صاف شده است. این جاده چین را به کره‌شمالی وصل می‌کند. در حال حاضر ایستگاه‌های نیرو ساخته شده‌اند، خطوط راه‌آهن به هم متصل شده‌اند و جاده‌ای را تا منطقه «سیبری» ساخته‌اند و پایه‌های بندرها در دریا گسترش پیدا کرده است. به گزارش دیلی‌نیوز، این هفته، نمایشگاه بین‌المللی تجارت در سالن نمایشگاه در منطقه‌ای در شرق کره‌شمالی برگزار شد. سرمایه‌گذارها و بینندگان از کشورهای چین، بریتانیا، روسیه و دیگر کشورها در نمایشگاه حضور داشتند. به مخاطبان این نمایشگاه پیشنهاد داده شد تا به تغییرات مورد نیاز در کره هم اشاره‌ای داشته باشند. در مرکز نمایشگاه بین‌المللی «تجارت»، عکس‌هایی از آینده «راسن» به نمایش گذاشته شده است. این عکس‌ها شامل مسیرهایی است که در آن ساختمان‌های مدرن ساخته شده خیابان‌هایی همراه با برق چراغ‌ها و ماشین‌هایی که زیر لامپ خیابان و در راستای خطوط درختان پارک کرده‌اند. این عکس‌ها، مسوولان را نشان می‌دهد و اینکه آنها تصمیم دارند در سال‌های آینده چه تحولاتی را ایجاد کنند. در حقیقت این موضوع بستگی به چین دارد. چین باید برق این منطقه، نیازها و پول لازم برای تبدیل راسن به قرن بیست‌ویکم را نیز تامین کند. در طول دو سال گذشته، رهبری کره‌شمالی پیشنهاد داده است که راسن را به قطبی بین‌المللی تبدیل کنند چراکه در اینصورت می‌توانند سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنند. هفته گذشته «جنگ سونگ تیک» مقام ارشد کره‌شمالی و عموی «کیم جونگ اون»، رهبر کره‌شمالی از چین دیدن کرد. در این سفر او درباره گسترش اقتصادی در منطقه مرزی و بیان اهمیت این پروژه با پکن به مذاکره پرداخت. اقتصاد کره‌شمالی راکد است. این در حالی است که در نقطه مقابل با اختلافی عمیق، کشور همسایه این کشور در شرق منطقه آسیا با اقتصادی رو به رشد همراه است. در طول دهه‌های اخیر پیونگ‌یانگ جزییاتی درباره اقتصادش اعلام نکرده است، اما سازمان جهانی اطلاعات، سرانه تولیدات داخلی کره‌شمالی را هزار و ۸۰۰ دلار تخمین زده است. بیرون از پیونگ‌یانگ که پایتخت کره‌شمالی است، بیشتر مردم کشور در فقر به سر می‌برند. جاده‌ها و ساختمان‌هایشان به تعمیرات جدی نیاز دارند و سازمان ملل گفته است که دوسوم مردم کره‌شمالی با کمبود غذای شدید روبه‌رو هستند.